



قرآن و سنت واجد دستگاه عرفانی مستقل است / امتیاز معنادار عرفان اسلامی

قرآن و سنت تنها واجد آموزه‌ها یا مایه‌های عرفانی نیست، بلکه قرآن و سنت دربردارنده يك دستگاه عرفانی مستقل است که دربرگیرنده مباحثی در پنج محور معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی و نظریه نجات است و به نحوی قابل توجه و معنادار با سایر دستگاه‌های عرفانی متمایز است.

قرآن و سنت تنها واجد آموزه‌ها یا مایه‌های عرفانی نیست، بلکه قرآن و سنت دربردارنده يك دستگاه عرفانی مستقل است که دربرگیرنده مباحثی در پنج محور معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی و نظریه نجات است و به نحوی قابل توجه و معنادار با سایر دستگاه‌های عرفانی متمایز است.

علی موحدیان عطار، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب و پژوهشگر عرفان در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، ضمن ارائه تعریفی از عرفان و اثبات امکان استخراج آن از منابع اصلی اسلام عرفان در قرآن و سنت معصومان(ع)، به برخی پرسش‌ها درباره چیستی این عرفان و ویژگی‌های آن و راهکارهای قابل اخذ از آن برای مواجهه با جریان‌های معنوی نوظهور پاسخ داد.

موحدیان عطار در ابتدا ضمن تأکید بر مشتمل بودن قرآن و سنت معصومان(ع) بر اندیشه عرفانی، گفت: اصل سخن ما این است که قرآن و سنت معصومان(ع)، مشتمل بر اندیشه عرفانی است و امکان استخراج و استنباط آن نیز وجود دارد. اما برای اثبات اصل این ادعا، باید مشخص شود که مفهوم عرفان چیست، مقصود ما از سنت کدام است و مشتمل بودن قرآن و سنت بر اندیشه عرفانی را به چه معنا مراد می‌کنیم.

اعتبار دادن به شهود و نگرش و گروش به وحدت در هستی؛ دو مؤلفه اصلی عرفان

وی درباره مفهوم عرفان و تعریف مورد نظر خود از آن اظهار کرد: ما در تعریف خود از عرفان، به همه ابعاد و جوانب عرفان یا به تعبیر دیگر به همه تعریف‌هایی که از عرفان وجود دارد نظر نداریم، بلکه عرفان را دستگاه معرفت سلوکی‌ای می‌دانیم که دست‌کم مشتمل بر دو مؤلفه باشد؛ یکی اعتبار دادن به شهود به عنوان منبع اصلی و اصیل معرفت و دوم دارا بودن نوعی نگرش و گروش به وحدت در هستی. بر این اساس اگر يك دستگاه و یا دیدگاه این دو مؤلفه را داشته باشد ما آن را عرفان را می‌نامیم و اگر این دو مؤلفه، یا یکی از این دو مؤلفه در يك دستگاه معرفتی وجود نداشته باشد، عرفانی نیست.

نمی‌توان گفت که وحدت وجود مؤلفه جوهری عرفان است و عرفانی که وحدت وجود در آن نباشد عرفان نیست. بلکه آن چیزی که در عرفان مهم است نوعی نگرش و گروش به وحدت هستی‌شناختی در هستی است

این محقق و پژوهشگر در مورد سنت نیز اظهار کرد: منظور ما از سنت، نه آثار شخص به خصوصی از معصومین(ع) و نه بخش خاصی از این آثار است؛ بلکه آن چیزی را که از معصومان(ع) به ما رسیده است، من حیث المجموع، مد نظر داریم. به تعبیر دیگر ما در يك نگاه کلی به آثار این 14 بزرگوار در طول 250 سال، سخنان و بیانات آنان را در قالب يك سنت در نظر می‌گیریم تا اندیشه عرفانی موجود در این سنت را استخراج کنیم و این روشی کاملاً علمی و متداول در بررسی تاریخ اندیشه‌هاست.

قرآن و سنت دربردارنده يك دستگاه عرفانی مستقل است

موحدیان عطار سپس به بیان مراد خود از مشتمل بودن قرآن و سنت معصومان(ع) بر اندیشه عرفانی پرداخت و گفت: وجود اندیشه عرفانی در قرآن و سنت معصومان(ع) نه به این معناست که صرفاً مایه‌ها یا آموزه‌هایی عرفانی در آن‌ها وجود دارد. این مورد را از این جهت طرح می‌کنیم که گاه دیده می‌شود که برای اثبات این که قرآن مشتمل بر اندیشه عرفانی است، به برخی از آیات قرآن استناد می‌شود؛ وقتی که ما می‌گوئیم قرآن و سنت مشتمل بر اندیشه عرفانی است، منظور ما فقط این نیست که آموزه‌ها یا مایه‌های عرفانی

در آن هست، بلکه مراد ما این است که قرآن و سنت دربردارنده يك دستگاه عرفانی مستقل است برای مثال #171;نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ؛ ما از شاه‌رگ [او] به او نزدیک‌تریم؛ (ق/ 16) و از این امر نتیجه گرفته می‌شود که به دلیل این که این آموزه حاوی نکته‌ای عرفانی است پس قرآن نگاهی عرفانی دارد یا حاوی مایه‌های عرفانی است؛ در حالی که این گونه استنادات برای مطرح کردن عرفان اسلامی کافی نیست.

نویسنده #171; کاربردهای مفهومی عرفان؛ تأکید کرد: و این مسئله بسیار مهمی است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد. ما باید روشن کنیم که قرآن و سنت معصومان (ع) برای خود يك دستگاه عرفانی مستقل دارد که در عین حال که با عرفان‌های دیگر در عرفان بودن مشترك است، اما با آن‌ها تفاوت‌های قابل توجه و معناداری دارد.

شهودگرایی و قائل بودن به وحدت در هستی در قرآن و سنت معصومان (ع) به نحو جوهری مطرح است

موحدیان عطار در ادامه به اثبات و تشریح این مطلب پرداخت که این دستگاه عرفانی برخوردار از دو مؤلفه اصلی عرفان یعنی شهودی‌نگری و نگاه وحدانی به هستی است و اظهار کرد: شهود و نگرش وحدانی به هستی دو مؤلفه‌ای است که یکی نقشی معرفت‌شناختی در دستگاه عرفانی دارد و دیگری مربوط به وجه هستی‌شناختی يك دستگاه عرفانی است. بنابراین يك دستگاه فکری، عرفانی است، تنها اگر در معرفت‌شناسی شهودگرا و در هستی‌شناسی قائل به وحدتی در هستی باشد.

عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب با بیان این که تبیین مشتمل بودن قرآن و سنت معصومان (ع) بر اندیشه عرفانی، مستلزم تشخیص این دو مؤلفه معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی در آن‌هاست، افزود: ما در واقع باید بتوانیم نشان دهیم که شهودگرایی و قائل بودن به وحدت در هستی، همچنان که در عرفان و تعریف آن جوهری هستند، در قرآن و سنت معصومان (ع) نیز به نحو جوهری وجود دارند و اساس این دیدگاه را تشکیل می‌دهند؛ بر این اساس می‌توانیم بگوئیم که اندیشه عرفانی نه تنها در قرآن و سنت معصومان (ع) وجود دارد، بلکه جوهر و ذات این سنت هم هست.

در قرآن و سنت معصومان (ع) پنج محور معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی و نظریه نجات، به صورت متمایز وجود دارد و مباحث و پاسخ‌هایی در هرکدام مطرح شده است که در نهایت نوعی نظریه نجات‌شناختی عرفانی مستقل را ترسیم می‌کند

وی تصریح کرد: اتفاقاً ما وقتی که به قرآن و سنت مراجعه می‌کنیم می‌بینیم که در قرآن نیز آن چیزی که در میان منابع معرفت اصالت بیشتری دارد، همین شهود است؛ یعنی اصولاً قرآن، علم و معرفت را برابر با شهود می‌داند و آن چیزی را که شهود است علم محسوب می‌کند و غیر آن را علم نمی‌داند. برای مثال قرآن می‌گوید #171;شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ رَاقُوا؛ (آل عمران/ 18) یا می‌فرماید که آن کسانی که به خدا ایمان آورده‌اند می‌بینند که قرآن حق است؛ یعنی نمی‌گویند که #171;می‌دانند؛ بلکه می‌گویند #171;می‌بینند؛ در واقع قرآن وقتی که صحبت از معرفت و دانستن می‌کند، معمولاً تعبیری از سنخ #171;شهود؛ #171;، رؤیت؛ #171;، ابصار؛ #171; به کار می‌برد و این حکایت از شهودی بودن معرفت در نزد قرآن دارد.

شهود در قرآن، اعم از شهود حسی و شهود مثالی و شهود عقلی است

موحدیان عطار با تأکید بر این که قرآن حقیقتاً اصالت شهودی است، بیان کرد: این بدین معناست که قرآن به نوعی در میان همه منابع معرفت، اعم از عقل استدلالی و حس و حتی نقل، شهود را برتر از همه و دارای اولویت می‌داند؛ کما این که در عرفان نیز این چنین است؛ منتها با این ملاحظه و توجه که شهود در قرآن، اعم از شهود حسی و شهود مثالی و شهود عقلی است.

این محقق و پژوهشگر در ادامه در تبیین این مطلب اظهار کرد: قرآن در عین حال که شهود را معتبر و اصل می‌داند، فقط به شهود مصطلح عرفانی نظر ندارد. مقصود از شهود عرفانی که معمولاً به آن مکاشفه یا مشاهده عرفانی گفته می‌شود، مشاهدات مثالی و مبصرات و مسموعاتی است که گاه عارفان و سالکان دارند؛ ولی شهود در قرآن معنایی وسیع‌تر از چنین شهودی را در بر می‌گیرد که شامل شهود حسی و به خصوص شهود عقلی نیز هست. بنابراین اگر شهود را اعم از حسی و عقلی و مثالی بدانیم آن وقت قرآن اصالت شهودی است.

وی در مورد دیگر مؤلفه عرفان، یعنی نگرش وحدانی به هستی، و وجود چنین منظری در قرآن نیز گفت: کاملاً واضح است که توحید

محور قرآن است و بر این اساس قرآن نوعی نگرش وحدانی به هستی دارد و آیات مختلف آن تبیین می‌کند که يك حقیقت وحدانی مطلق و قاهر بر کل هستی حاکمیت دارد و به نوعی تمام هستی را فرا گرفته است. چنان که فرموده است: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ﴾؛ یعنی بگو که خدا يك حقیقت وحدانی نامحدود و پُر است که سراسر هستی را فراگرفته است.

شهود و نگرش وحدانی به هستی دو مؤلفه‌ای است که یکی نقشی معرفت‌شناختی در دستگاه عرفانی دارد و دیگری مربوط به وجه هستی‌شناختی يك دستگاه عرفانی است. بنابراین يك دستگاه فکری، عرفانی است، تنها اگر در معرفت‌شناسی شهودگرا و در هستی‌شناسی قائل به وحدت در هستی باشد

تفاوت نگرش وحدانی به هستی با نگاه وحدت وجودی

موحدیان عطار در مورد تفاوت این نگرش وحدانی به هستی با نگاه وحدت وجودی، عنوان کرد: وحدت وجود يك تقریر به خصوص از این نگرش وحدانی به هستی است و الزاماً نیز همه عرفان‌ها وحدت وجودی نیستند. اضافه بر این که خود وحدت وجود هم دست‌کم شش تقریر دارد؛ که این تقریرها هیچ کدام بر دیگری امتیازی ندارد. بنابراین نمی‌توان گفت که وحدت وجود مؤلفه جوهری عرفان است و عرفانی که وحدت وجود در آن نباشد عرفان نیست. بلکه آن چیزی که در عرفان مهم است نوعی نگرش و گروش به وحدت هستی‌شناختی در هستی است.

نویسنده «؛ راهنمای الوهی در تشیع نخستین؛ در ادامه گفت: براساس آن چه بیان شد می‌بینیم که هر دو مؤلفه‌ای که در عرفان جوهری هستند، دقیقاً در قرآن نیز جوهری‌اند. این اصالت شهود و نگرش به وحدت هستی‌شناختی یا حقیقت وحدانی هستی را به وضوح می‌توان در کل سنت معصومان(ع) نیز مشاهده کرد. بنابراین جای ابهام ندارد که قرآن در حقیقت همان چیزی را مد نظر قرار می‌دهد و می‌پرواند و بر محور آن قرار دارد، که در تعریفی که از عرفان ارائه کردیم جوهریت دارد و در حقیقت ذات و جوهر عرفان را تشکیل می‌دهد.

محورهای محتوایی عرفان/ قرآن و سنت معصومان(ع) دارای نظریه نجات‌شناختی مستقلی است

عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب به محورهای محتوایی عرفان نیز اشاره کرد و گفت: به نظر می‌رسد که هر اندیشه عرفانی اصولاً دارای پنج محور معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی و نظریه نجات است که هرچند عموماً این مباحث به طور مشخص و متمایز مطرح نمی‌شود اما می‌توان این پنج محور را در مباحث آن‌ها بازشناخت.

وی با بیان این که به دلیل اهمیت محور پنجم از اندیشه‌های عرفانی به مکتب نجات‌شناختی تعبیر می‌کنیم، اظهار کرد: در هر مکتبی یا هر کتابی یا هر دینی که داعیه‌دار نجات عرفانی است، پنج محور مذکور با اندیشه‌های عرفانی تبیین می‌شود و بر اساس يك نظریه نجات، برنامه‌ای برای نجات مطرح می‌شود.

موحدیان عطار در پایان این بخش از گفت‌وگو عنوان کرد: ما می‌خواهیم بگوئیم که در قرآن و سنت معصومان(ع) پنج محور معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی و نظریه نجات، به صورت متمایز وجود دارد و مباحث و پاسخ‌هایی در هر کدام مطرح شده است که در نهایت نوعی نظریه نجات‌شناختی عرفانی مستقل را ترسیم می‌کند.